



دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

تبیین نظریه‌ی خلقت از دیدگاه صدرالمتألهین و علامه طباطبایی

استاد راهنما

دکتر اعلا تورانی

دانشجو

مطهره میرزایی پور

مهر ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده الهیات

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته الهیات گرایش فلسفه و کلام اسلامی

تبیین نظریه خلقت از دیدگاه صدرالمتألهین و علامه طباطبایی

استاد راهنما

دکتر اعلا تورانی

استاد مشاور

دکتر زهره توازیانی

دانشجو

مطهره میرزایی پور

مهر ۱۳۹۱

کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به
دانشگاه الزهرا (س) است.

تقدیم به

آنانکه پا به پای من آمدند تا رشد کنم، پدر و مادر عزیزم؛ تنها حامیان
همیشه همراه.

قدردانی و تشکر

به مصداق «لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بسی شایسته است از استادان فرهیخته و فرزانه جناب آقای دکتر تورانی و سرکار خانم دکتر توازیانی که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و گلشن سرای علم و دانش را با راهنمایی های کارساز و سازندهی خویش بارور ساختند، تقدیر و تشکر نمایم.

چکیده

چگونگی خلقت جهان از جمله مسائلی است که همیشه مورد تفکر و تحقیق فلاسفه قرار گرفته است و نظریه‌هایی در این زمینه از ایشان ارائه شده است. از جمله فیلسوفانی که به این مسئله پرداخته‌اند، صدرالمتألهین و علامه طباطبایی هستند که هر دو تابع یک مکتب و دارای روشی واحد میباشند. پژوهش حاضر در پی تبیین فلسفی مسئله خلقت از دیدگاه این دو فیلسوف می‌باشد. نتیجه‌های حاصل شده است این است که صدرالمتألهین با استفاده از اصل اصالت و وحدت وجود و قاعده‌ی الواحد و امکان اشرف و با تأثیر از عرفا، وجود منبسط را صادر نخستین معرفی میکند و عقل را ماهیت وجود منبسط میداند که بر اثر میزان شدت وجود حاصل میشود و به همین ترتیب سایر عقول بر اثر شدت و ضعف مرتبھی وجودی حاصل میشوند و ملاصدرا علاوه بر عقول طولی قائل به عقول عرضی نیز می‌باشد. علامه طباطبایی نیز بر اساس نظریه‌ی صدور و به پیروی از ابن سینا عقل اول را صادر نخستین معرفی کرده و قائل به بشمار عقل در سلسله‌ی طولی عقول می‌باشد و همچنین به وجود عقول عرضی هم معتقد است، اما نظر علامه برخلاف دیگر فیلسوفان ماقبل خود با هیئت بطلمیوسی و افلاک پیوندی ندارد.

واژه‌های کلیدی: خلقت، صدرالمتألهین، علامه طباطبایی، اصالت وجود، وجود منبسط، عقول

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات

۲	مقدمه
۴	۱-۱- پرسش پژوهش:
۴	۲-۱- پرسش‌های پژوهش (پرسش‌های فرعی)
۴	۳-۱- فرضیات تحقیق:
۵	۴-۱- اهداف پژوهش و ضرورت آن
۶	۵-۱- بستر پژوهش:
۷	۶-۱- روش تحقیق:
۷	۷-۱- توضیح مفهومی
۷	۱-۷-۱- معنای خلق
۸	۲-۷-۱- ابداع
۱۰	۸-۱- قاعده‌ی الواحد
۱۱	۹-۱- وحدت معقولات
۱۲	۱-۹-۱- اقسام واحد
۱۳	۱۰-۱- قاعده‌ی امکان اشرف
۱۳	۱-۱۰-۱- بیان قاعده

- ۱-۱۰-۲- برهان قاعده ----- ۱۴
- ۱-۱۰-۳- موارد جرطن قاعده ----- ۱۵
- ۱-۱۱- انواع فاعلوت ----- ۱۵
- فصل دوم: تبیین نظریه‌ی خلقت از دیدگاه صدرالمتألهین
- ۲-۱- وجود و مسائل مربوط به آن ----- ۱۹
- ۲-۱-۱- ۱- بداهت مفهوم وجود ----- ۲۰
- ۲-۱-۲- وجود، حقیقتی عینی و خارجی ----- ۲۰
- ۲-۱-۳- برهان اصالت وجود ----- ۲۱
- ۲-۱-۴- نظری تشکیک ----- ۲۱
- ۲-۱-۵- مراتب وجود ----- ۲۲
- ۲-۲- نفی کثرت ----- ۲۴
- ۲-۲-۱- توحید واجب الوجود (نفی کثرت خارجی) ----- ۲۴
- ۲-۲-۲- خداوند بسرهط الحقیقه است (نفی کثرت داخلی) ----- ۲۴
- ۲-۲-۲-۱- نفی اجزای مقداری ----- ۲۵
- ۲-۲-۲-۲- نفی اجزای عقلی ----- ۲۵
- ۲-۲-۲-۳- نفی اجزای تحلیلی ----- ۲۵
- ۲-۳- علوت ----- ۲۶
- ۲-۳-۱- سنخوت علت و معلول ----- ۲۷
- ۲-۳-۲- جعل ----- ۲۷
- ۲-۳-۳-۱- جعل وجودی ماهوت ----- ۲۹
- ۲-۳-۳-۲- نظر صدرالمتألهین در باب وجود معلول ----- ۲۹

- ۳۱-۴-۲- تشآن و تجاری، جانشرهن علئیت و جعل -----
- ۳۲-۵-۲- فاعلئیت خداوند -----
- ۳۳-۶-۲- فعل خداوند -----
- ۳۵-۷-۲- برهان صدرالمتالهئین بر واحد بودن صادر اول -----
- ۳۷-۸-۲- نخستئین صادر عالم -----
- ۳۹-۹-۲- وجود منبسط -----
- ۴۲-۱۰-۲- شمول وجود -----
- ۴۲-۱۱-۲- نسبت علت فاعلئی به وجود و ماهئیت -----
- ۴۳-۱۲-۲- صادر اول از حئث وجود متعئین (ماهئیت) -----
- ۴۴-۱۳-۲- راههای اثبات عقل به عنوان نخستئین صادر -----
- ۴۵-۱۴-۲- قاعدهئی امکان اشرف -----
- ۴۶-۱۵-۲- کفئیت و ساطت صادر اول در ایجاد سای موجودات -----
- ۴۸-۱۶-۲- اثبات کثرت عقول -----
- ۴۹-۱۷-۲- تعداد عقول -----
- ۵۰-۱۸-۲- وئئگی های موجودات عالم عقل -----
- ۵۱-۱۹-۲- عالم عقول عرضئی -----
- ۵۳-۲۰-۲- تبئین ارتباطات مثل و اصنام طبعئی آن‌ها -----
- ۵۴-۲۱-۲- اثبات مثل از نظر صدرا -----
- ۵۶-۲۲-۲- عالم مثال -----
- فصل سوم: تبئین نظریهئی خلقت از دیدگاه علامه طباطبائئی
- ۶۰-۱-۳- وجود و مسائل مربوط به آن -----

- ۶۱-۱-۱-۳ اصالت وجود -----
- ۶۲-۱-۲-۳ برهان اصالت وجود -----
- ۶۲-۱-۳-۳ حقیقت وجود سببی و رای خود ندارد -----
- ۶۳-۱-۴-۳ وجود یک حقیقت تشکیکی است -----
- ۶۴-۲-۳ واجب الوجود مبدأ هر وجود و کمالی است -----
- ۶۴-۱-۲-۳ داللی اول: -----
- ۶۵-۲-۲-۳ داللی دوم: -----
- ۶۵-۳-۳ نفی کثرت -----
- ۶۵-۱-۳-۳ توحید در خالقیت و ربوبیت -----
- ۶۶-۳-۲-۳ بساطت ذات واجب تعالی -----
- ۶۷-۳-۳-۳ واجب الوجود بسیط است -----
- ۶۷-۱-۳-۳-۳ نفی اجزای بالفعل خارجی -----
- ۶۸-۲-۳-۳-۳ نفی اجزای بالقوه -----
- ۶۸-۳-۳-۳-۳ نفی اجزای تحلیلی از واجب الوجود -----
- ۶۸-۴-۳-۳ علویت -----
- ۷۰-۱-۴-۳ تعریف علت و معلول -----
- ۷۰-۲-۴-۳ مجعول بالذات علت -----
- ۷۱-۳-۴-۳ سنخیت ممکن علت و معلول -----
- ۷۱-۵-۳-۳ فاعلیت خداوند -----
- ۷۲-۶-۳-۳ فعل خداوند -----
- ۷۳-۷-۳-۳ قاعده‌ی الواحد -----

۷۴----- ۳-۸- انواع مجرد، منحصر در یک فرد است

۷۵----- ۳-۹- صادر اول

۷۶----- ۳-۱۰- چگونگی پیدایش کثرت در عالم عقل

۷۷----- ۳-۱۱- کثرت نوعی عقول

۷۸----- ۳-۱۲- دلایلی وجود مجردات

۷۹----- ۳-۱۲-۱- دلالی اول

۷۹----- ۳-۱۲-۲- دلالی دوم (قاعده‌ی امکان اشرف)

۷۹----- ۳-۱۲-۲-۱- برهان اسد و اخصر علامه طباطبایی بر قاعده‌ی امکان اشرف

۸۰----- ۳-۱۳- عقول عرضی

۸۲----- ۳-۱۴- عالم مثال

۸۳----- ۳-۱۵- عالم مادی

فصل چهارم: مقایسه و نتیجه گیری

۸۷----- ۴-۱- موارد مشابهت دیدگاه صدرالمتألهین و علامه طباطبایی

۹۰----- ۴-۲- موارد اختلاف دیدگاه صدرالمتألهین و علامه طباطبایی

۱۰۶----- ۴-۳- نتیجه گیری

۱۱۰----- فهرست منابع و مأخذ

فصل اول

کلیات

مقدمه

مسأله‌ی چگونگی خلقت از خداوند واحد و چگونگی وجود این همه کثرات در عالم از جمله مسائلی است که ذهن انسان را همواره مشغول به خود ساخته و به دنبال پاسخی برای آن است. از زمانی که تفکر در جهان وجود داشته، انسان همواره با دیدن موجودات و پدیده‌های گوناگون و متکثر و با خود اندیشیده که این موجودات آیا معلول خالق‌ی واحدند و یا هر یک پدیدآورنده‌های جداگانه دارند؟ چگونه ممکن است که خداوند واحد این همه کثرت و تنوع ایجاد کند؟ آیا این موجودات و پدیده‌ها مستقیماً از خداوند بوجود آمده‌اند؟ کدام یک از موجودات زودتر و کدام یک دیرتر خلق شده‌اند؟ کدام یک برتر و والاتر است؟ آیا غیر از موجوداتی که ما می‌بینیم موجودات دیگری هم هستند؟ به چه صورت؟

هنگامی که به افکار و عقاید متفکران و فیلسوفان به طور دقیق مینگریم، متوجه میشویم این مسأله از زمانهای بسیار گذشته مورد توجه و عنایت آنان نیز قرار داشته و همواره به دنبال راه حل و پاسخی برای این پرسش‌ها بوده‌اند.

این بحث نه تنها در آثار فیلسوفان قدیم یونان باستان از جمله افلوپین آمده است بلکه در آثار

فیلسوفان مسلمان هم وجود دارد.

تأمل و تعمق در اندیشه‌ی فیلسوفان اسلامی بیانگر این حقیقت است که ایشان در نظام فلسفی خویش، تبیینی خاص و روشن و متمایز از فیلسوفان یونان باستان ارائه داده‌اند. چنانکه فارابی اساس را بر خلقت ابداعی قرار می‌دهد و با ارائه‌ی نظریه‌ی عقل، توانست هم مسئله‌ی خلق کثیر از واحد را تبیین کند و هم مسئله‌ی خلقت و تکوین را توضیح دهد. (فارابی، ص ۲۲-۲۵) ابن سینا نیز برای حل این مسئله، نظریه‌ی صدور را مطرح می‌کند که با نظریه‌ی افلاک بطلمیوسی دارای پیوند است و براساس آن نخستین موجود عقل است که مستقیماً از خداوند صادر می‌شود که از این عقل با توجه به توجهات سه‌گانه‌ای که عقل به خداوند و خود دارد عقل دوم، جسم و نفس فلک اول از او صادر می‌شود و به همین ترتیب عقول ده‌گانه و افلاک نه‌گانه. و سپس عالم مادی. ایشان مسأله‌ی صدور کثرت از وحدت را تنها از طریق عقول طولی تبیین می‌کند. (ابن سینا، ص ۳۶۵-۳۷۰) اما سهروردی با دیدی عرفانی نور را جانشین عقل می‌کند و علاوه بر عقول طولی به عقول عرضی نیز قائل می‌شود و از کثرات موجود در عالم محسوسات به کثرات موجود در عالم معقولات دست می‌یابد. (سهروردی، ص ۲۳۷-۲۴۴)

از دیگر فیلسوفانی که به نظریه‌پردازی در این زمینه پرداخته‌اند، صدرالمتألهین و علامه طباطبایی هستند که هر یک با تأثیر از مکاتب قبلی خود و استفاده از مبانی خاص خود به حل این مسأله پرداخته‌اند. ملاصدرا در حل این مسأله از اصل اساسی اصالت و وحدت وجود و قاعده‌ی الواحد بهره برده و وجود منبسط را به عنوان نخستین صادر مطرح می‌کند و ماهیت را حاصل درجه‌ی شدت وجود در هر مرتبه می‌داند. و در حقیقت ماهیت همان وجود متعین می‌باشد. و بر این اساس اولین ماهیت با توجه به مرتبه‌ی اعلا‌ی وجود عقل اول است و بعد از آن مراتب مختلف وجود و به دنبال آن مراتب مختلف عقول بی‌شمار و جسم و نفس افلاک نه‌گانه و پس از آن عقول عرضی، عالم مثال و عالم مادی. اما علامه طباطبایی با استفاده از قاعده‌ی الواحد و نظریه‌ی صدور ابن سینا عقل اول را به عنوان صادر نخست معرفی می‌کند، منتهی ایشان قائل به افلاک نه‌گانه و هیئت بطلمیوسی نیست و مانند صدرا علاوه بر عقول طولی قائل به عقول عرضی و عالم مثال است.

ما در این تحقیق با جستجو و مطالعه در آثار ایشان در چهار فصل به بررسی و مقایسه‌ی نظر

صدرالمتألهین و علامه طباطبایی در خصوص خلقت می‌پردازیم؛ که فصول آن به ترتیب زیر است:

۱- کلیات

۲- تبیین نظریه‌ی خلقت از دیدگاه صدرالمتألهین

۳- تبیین نظریه‌ی خلقت از دیدگاه علامه طباطبایی

۴- مقایسه و نتیجه‌گیری

امید است که این اندک تلاش ما در جهت روشن کردن مسأله‌ی خلقت بتواند به اندکی از سوالات ذهن مخاطبین در این خصوص پاسخگو باشد.

۱-۱- پرسش پژوهش:

تبیین خلقت از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی چگونه می‌باشد؟

۱-۲- پرسش‌های پژوهش (پرسش‌های فرعی):

- تبیین خلقت از دیدگاه ملاصدرا چگونه می‌باشد؟

- تبیین خلقت از دیدگاه علامه طباطبایی چگونه می‌باشد؟

- چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان نظر ملاصدرا و علامه طباطبایی در خصوص خلقت وجود دارد؟

۱-۳- فرضیات تحقیق:

۱- ملاصدرا در خصوص خلقت به اشراقیون نظر داشته و مسئله‌ی خلقت را تفسیر عرفانی کرده است و وجود منبسط را به جای عقل به عنوان صادر اول قبول دارد و وجود عالم را مظهر تجلی وجود حقیقی می‌داند و آن را دارای وجود تعلق و فقری میدانند.

۲- علامه طباطبایی در زمینه خلقت به مشایون نظر داشته و قائل به صدور عقل اول از واجب تعالی به عنوان اولین صادر است و قائل به عقول دهگانه است.

۳- ملاصدرا ضمن قبول نظریه وجود منبسط و افلاک، عالم را بر اساس نظر فیلسوفان اشراقی توجیه عرفانی میکند و براساس نظریه تجلی و ظهور خلقت را تبیین میکند اما علامه طباطبایی گرایش بیشتری به مشائین دارد و ضمن قبول نظریه عقول صدور فلک و نفوس فلکی را جزء اصول موضوعه می‌داند و آن را منسوخ و در نظریه خلقت قابل طرح نمیداند.

۱-۴- اهداف پژوهش و ضرورت آن:

این بحث که چگونه موجودات کثیر در عالم هستی از مبدا واحد صادر شده اند، از مسائل مهم فلسفی است که از زمان افلوپین تاکنون در میان فیلسوفان با عنوان "نظام فیض" شناخته شده است. از آنجا که حکمت متعالیه در واقع مکتبی جامع و تکمیلی نسبت به مکاتب قبلی از جمله مشاء و اشراق میباشد لذا پرداختن به نظرات ملاصدرا از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنین نظر به اینکه علامه طباطبایی از فیلسوفان معاصر مکتب صدرایی است، مطالعه دیدگاه وی در خصوص مسئله پیدایش نشان می‌دهد که مکتب صدرایی در طول دوره‌ی چهارصد ساله خود چه تحولاتی را در این خصوص پشت سر گذاشته است. ملاصدرا بر اساس اصالت وجود در تبیین پیدایش عالم، مسئله فقر وجودی و هویت تعلق را محور تبیین خود قرار داده بود. وی بر این اساس معتقد بود که از واجب الوجود عقل اول صادر گردیده است که نسبت به واجب فقر وجودی دارد و عقول بعدی نیز به همین ترتیب بر محور اصالت وجود تا حدی ادامه پیدا کرده که کثرات بیشمار از آنها پدید آمده است و بدین ترتیب پیدایش کثرات از واحد توجیه گردیده است. با تطبیق آرا ملاصدرا با آرا اشراقیون و مشائیان درباره نظام فیض مشاهده میکنیم که ملاصدرا عناصر و اجزا سیستم اشراقی را بر اجزا سیستم فلسفی مشایی ترجیح داده است و از آنها در تبیین نظام فیض مقبول خویش بهره جسته است. اما درباره نظریه علامه طباطبایی در مورد پیدایش کثرات باید گفت که نظر وی درباره نظام فیض با نظریه حکیمان مشایی از جهت اعتقاد به وجود سلسله‌ی طولی در میان موجودات و پذیرش نظام

ثلاثی مشابهت دارد. نظریه علامه با حکیمان اشراقی نیز از جهت تبیین پیدایش کثرت بر مبنای سلسله طولی، پذیرش عقول طولی و عرضی با عدم انحصار عقول طولی به ده عقل و اعتقاد به عالم مثال و عالم ماده تشابه دارد، که در این مورد با ملاصدرا یکسان است.

۱-۵- پیشینه پژوهش:

در جستجوی پیشینه، ما به این موضوع رسیدیم که تا کنون پژوهشی به طور مستقل در بیان و مقایسه نظر ملاصدرا و علامه طباطبایی در باب خلقت صورت نگرفته است، اما در بیان نظرات هر یک از این فلاسفه به طور مستقل و یا در ارتباط با دیگر فیلسوفان پایان نامه و مقالاتی چند موجود است. پایان نامه:

حسینلو، باقر، مطالعه‌ی تطبیقی مسأله‌ی صدور کثرت از وحدت از دیدگاه ابن سینا، سهروردی و صدرالمتألهین، کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر احمد بهشتی، دانشگاه تربیت مدرس، پاییز ۱۳۷۷. در این پایان نامه به اصول و مبانی ابتدایی و زیر بنایی مسأله‌ی صدور کثرت از وحدت پرداخته و سپس نظرات فیلسوفان به طور مستقل بیان شده است.

مقاله:

- خادمی، عین الله، نظریه‌ی علامه طباطبایی درباره‌ی چگونگی پیدایش کثیر از واحد (نظام فیض)، فصلنامه

علمی - پژوهشی انجمن معارف اسلامی ایران، سال دوم، شماره دوم، ۱۳۸۵

در این مقاله به بیان نظر علامه در خصوص صدور کثرت از وحدت پرداخته شده است.

- ارشد ریاحی، علی، قاسمی مقدم، خدیجه، صادر نخست و چگونگی توجیه کثرت از نظر ابن سینا، ابن عربی و ملاصدرا با تأکید بر مشهورترین آرای آنان، مجله فلسفه و کلام اسلامی، قم، سال ۴۴، شماره (۲)،

۱۳۹۰

در این مقاله به بیان نظرات ابن سینا، ابن عربی و ملاصدرا پرداخته و تأثیرات هریک از آنها را از مکاتب مختلف بیان کرده است.

۱-۶- روش تحقیق:

نوع تحقیق این موضوع بنیادی و به روش کتابخانه‌ای (فیش و کتاب) می باشد.

۱-۷- ایضاح مفهومی

مسئله‌ی خلقت یکی از مباحث فلسفی است که بیشتر فیلسوفان اعم از فیلسوفان غربی و شرقی به آن عطف توجه نموده‌اند. در میان حکمای مسلمان نیز فارابی، ابن سینا، شیخ اشراق به طور جدی وارد این بحث شده‌اند. علاوه بر حکما، عرفای مسلمان نیز به این مسئله بیتوجه نبوده‌اند. مثلاً ابن عربی در آثار خود این مسئله را مورد توجه قرار داده است.

ما در این مبحث در پی ایضاح مفهومی خلقت هستیم تا مقصودمان از معنی خلقت روشن و مسیر تحقیق مشخص شود. مقصود ما از خلقت در این تحقیق همان نخستین صادر و ایجاد اولیه‌ی عالم مجردات می‌باشد، و چگونگی صدور کثرت از خداوند واحد و بررسی چگونگی تبیین خلقت ابتدایی موجودات مجرد و واسطه‌های فیض، و از ورود به بحث خلقت در عالم ماده خودداری می‌کنیم.

۱-۷-۱- معنای خلق

خلق در لغت به معنای صنع و ابداع است. و نیز خلق به معنی جعل است. و نیز خلق به معنی سنجش و اندازه‌گیری و به معنی مساوات بین دو شیء است. خلق به ایجاد شیء به اندازه‌ی معین اطلاق شده است. و نیز خلق به معنی مخلوق و به معنی جمع آمده است. از مشتقات آن لفظ خلیقه است به معنی طبیعت یا آنچه خدا آفریده است. می‌گویند انسان اشرف مخلوقات است خلق به معنی ایجاد کردن است. این ایجاد ممکن است از مواد مخصوص و صور و اشکال معینی باشد، مثل ساختن اشیا مصنوعی. و گاهی به معنی